

تأثیر مشارکت زیان‌دیده در ورود یا تشدید خسارت بر مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض حقوق بشر با تأکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر

سید قاسم زمانی¹، وحید بذّار²

چکیده

مشارکت قربانی نقض حقوق بشر در ورود یا تشدید خسارت، از عواملی است که سبب می‌شود اصل جبران کامل خسارت اعمال نشود و به تناسب این مشارکت از میزان غرامت قابل‌تعیین کاسته شود؛ باین‌حال در موارد تعدد قربانیان نقض حقوق بشر، مشارکت هر یک از آنها تنها در تعیین میزان غرامت درباره همان قربانی تأثیرگذار خواهد بود. به زعم دیوان، مشارکت زیان‌دیده نه عامل رافع مسئولیت بلکه عامل مؤثر در تعیین میزان غرامت فرض می‌شود، ولی قاعده مشخصی برای محاسبه چنین کاهش‌ی وجود ندارد و دیوان بر اساس مبنای منصفانه، این میزان را تعیین می‌کند. این مقاله می‌کوشد ضمن بررسی تأثیر مشارکت زیان‌دیده در ورود و تشدید زیان در موارد نقض حقوق بشر، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر را در مواجهه با این قاعده مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: مشارکت زیان‌دیده، حقوق بشر، مسئولیت بین‌المللی، دیوان اروپایی حقوق بشر، تعهد به کاهش خسارت.

1. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی / drghzamani@gmail.com

2. دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی / bazar901@atu.ac.ir (نویسنده مسئول)

مقدمه

اصل مشارکت قربانی نقض حقوق بشر در ورود یا تشدید خسارت، یکی از اصول اساسی حقوق مسئولیت بین‌المللی است که بر اساس آن، خسارت ناشی از «فعل متخلفانه بین‌المللی»^۱ همواره مشمول «جبران کامل»^۲ خواهد بود.^۳ این اصل، در حدود نود سال پیش مورد توجه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری قرار گرفته بود؛^۴ باین حال مشارکت زیان‌دیده در ورود یا تشدید خسارت، بر میزان جبران غرامت تأثیرگذار است و در چنین وضعیتی، میزان جبران غرامت به تناسب نقش زیان‌دیده کاهش خواهد یافت.^۵ در توجیه تأثیر مشارکت زیان‌دیده بر مسئولیت بین‌المللی، مبنای مختلفی بیان می‌شوند از جمله «انصاف»^۶، «عقلانیت»^۷ و «رفتار برابر با متخلف و زیان‌دیده»^۸ (Wilcox & Riss, 2011: 799)؛ باین حال به نظر می‌رسد مهم‌ترین اصلی که می‌توان آن را مبنای عمل دانست، اصل «داراشدن ناعادلانه»^۹ است. در واقع، اگر مشارکت زیان‌دیده در ورود خسارت را بی‌تأثیر بدانیم، خواهان به طور ناعادلانه‌ای از عمل خلاف خود بهره‌مند خواهد شد.^{۱۰}

علاوه بر مشارکت زیان‌دیده در ورود خسارت، مشارکت او در جلوگیری از تشدید خسارت نیز مبنایی برای کاهش میزان جبران غرامت تلقی خواهد شد (تعهد به کاهش خسارت).^{۱۱} به‌طورکلی، ضرورتی ندارد که مشارکت زیان‌دیده اقدامی متخلفانه باشد و صرف احراز این مشارکت حتی درباره

1. Internationally Wrongful Act

2. Full Reparation

3. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 31 (1).

4. دیوان در قضیه کارخانه کورزو اعلام کرده بود که به‌عنوان یک اصل اساسی، جبران خسارت باید - تا حد ممکن - کلیه آثار فعل متخلفانه را از بین ببرد (Factory at Chorzow, Merits, 1928, P. C. I. J., Series A, No. 17, p. 47).

5. در نظام «کامن لا» (Common Law) نقش زیان‌دیده در ورود خسارت، دفاعی تمام‌وکمال در پرونده‌های شبه‌جرم (Tort) تلقی می‌شود و می‌تواند موجب معافیت از مسئولیت شود (Von Bar, 2000: 317-340).

6. Equity

7. Reasonableness

8. Equality of Treatment of the Injurer and Injured

9. Unjust Enrichment (enrichissement sans cause)

10. براساس یک اصل کلی حقوقی هیچ‌کس نمی‌تواند از عمل خلاف خود منتفع شود (nullus commodum capere potest de injuria sua propria).

11. Duty to Mitigate

بخشی از زیان، کفایت می‌کند. برای اینکه قاعده تأثیر مشارکت زیان‌دیده لحاظ شود، باید رابطه «سببیت»^۱ میان رفتار زیان‌دیده و صدمه وارده یا بخشی از آن آشکار شود (Merizalde Urdaneta, 2015: 312). پذیرش تأثیر مشارکت زیان‌دیده در تعیین میزان غرامت، او را ترغیب می‌کند تا با مراقبت بیشتر از خود، در جهت کاهش میزان خسارت وارده تلاش کند (Thiede & Buyuksagis, 2011: 817)؛ با این حال در زمینه میزان کاهش غرامت، ضابطه خاصی وجود ندارد و دادگاه‌ها اصولاً با توسل به «انصاف»، «تناسب»،^۲ «صرف رضایت»^۳ خواهان و رابطه «سببیت»^۴ میان اقدام زیان‌دیده و ورود خسارت تصمیم‌گیری می‌کنند (Merizalde Urdaneta, 2015: 314). این نوشتار از دو قسمت تشکیل شده است. در بخش نخست، به تأثیر مشارکت زیان‌دیده در ورود خسارت در موارد نقض حقوق بشر پرداخته خواهد شد. در قسمت دوم که بخش اصلی مقاله را نیز تشکیل می‌دهد، رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر درباره تأثیر مشارکت زیان‌دیده در ورود خسارت، بررسی می‌شود.

۱. تأثیر مشارکت زیان‌دیده در ورود یا تشدید خسارت بر مسئولیت بین‌المللی دولت

ناقض حقوق بشر

در پرونده‌های حقوق بشری نیز به مانند قواعد عام حقوق مسئولیت، ادعای مشارکت زیان‌دیده در ورود خسارت تنها می‌تواند به‌مثابه دفاعی از سوی دولت خوانده مطرح شود و سبب کاهش خسارت قابل‌تعیین در مواردی شود که مسئولیت بین‌المللی آن دولت احراز شده است (Walde, 2009: 537)؛ با این حال گروهی معتقدند از آنجاکه هیچ انسانی تعهدی نسبت به عدم صدمه به خود ندارد، پذیرش «تقصیر»^۵ یا «بی‌احتیاطی»^۶ زیان‌دیده، عوامل تأثیرگذاری بر تعیین میزان غرامت نامناسب به نظر می‌رسد (Thiede & Buyuksagis, 2011: 814). ادعای دیگری که درباره تأثیر مشارکت زیان‌دیده در موارد نقض حقوق بشر مطرح می‌شود این است که در این رابطه باید میان حق‌های بشری تفکیک قائل شد و چنین مشارکتی، بر برخی از حق‌های بنیادین بشری از جمله «ممنوعیت شکنجه»^۷ یا «حق حیات»^۱ تأثیری نخواهد داشت (Wilcox & Riss, 2011: 799). برای

1. Casuality
2. Proportionality
3. Just Satisfaction
4. Causality
5. Fault
6. Negligence
7. Prohibition of Torture

تأثیر مشارکت زیان‌دیده در ورود یا تشدید خسارت بر مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض حقوق بشر

مثال، رفتار تحریک‌آمیز شکنجه‌شونده یا تقصیر فرد فوت‌شده، بر تعیین میزان غرامت ناشی از نقض ممنوعیت شکنجه یا حق حیات بی‌تأثیر خواهد بود. دیوان اروپایی حقوق بشر این رویکرد را در رویه خود نپذیرفته است. همان‌طور که در ادامه شرح داده می‌شود، دیوان در قضیه «سولومو علیه ترکیه» (2008) که مسئله نقض حق حیات مطرح بود، نقش زیان‌دیده را به طور ضمنی در تعیین میزان غرامت مورد توجه قرار داد. به زعم دیوان، این کاملاً منطبق با انصاف است که دیوان، تأثیر رفتار قربانی اولیه را در حکم قربانی ثانویه در نظر بگیرد (Wilcox & Riss, 2011: 799).

موضوعی که ممکن است در پرونده‌های حقوق بشری بسیار رایج باشد، تأثیر مشارکت زیان‌دیده در موارد تعدد زیان‌دیدگان است؛ بدین معنا که اگر خواهان‌های متعدد، مدعی نقض حقوق بشر از سوی یک دولت باشند، آیا مشارکت یک یا چند نفر از آن‌ها، در تعیین میزان غرامت قابل پرداخت به همه یا برخی از آنان تأثیرگذار خواهد بود یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش باید میان پرونده‌های حقوق بشری و پرونده‌هایی که در چهارچوب حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت مطرح می‌شوند، تمایز قائل شد. در مورد اخیر، هنگامی که در قبال یک عمل متخلفانه بین‌المللی، چند «دولت زیان‌دیده»² وجود دارد، هریک از آن‌ها می‌توانند به مسئولیت بین‌المللی دولت مرتکب «استناد»³ کنند و به صرف «جبران»⁵ آن عمل متخلفانه بین‌المللی، مسئولیت مرتفع می‌شود و ضرورتی ندارد دولت متخلف جداگانه نسبت به خواهان‌ها جبران غرامت کند. در واقع، در این حوزه، هدف اعلام «متخلفانه‌بودن»⁶ عمل و «اعاده وضع به حال سابق»⁷ است و مسئله «جبران خسارت»⁸ و پرداخت خسارت مالی در اولویت قرار ندارد، درحالی‌که در موارد نقض اغلب حق‌های بشری، امکان اعاده وضع وجود ندارد. در موارد نقض حقوق بشر - برخلاف مورد قبل که عمل متخلفانه بین‌المللی احراز می‌شود - نقض حق بشری خواهان‌ها مبنا قرار می‌گیرد و از آنجاکه فارغ از حق‌های جمعی، هر انسان حق بشری مختص به خود را دارد، نقض‌های متعددی مطرح می‌شود که بی‌شک جبران‌های متعددی را می‌طلبد. در واقع، شاید دولت یک عمل را مرتکب شده باشد، ولی به واسطه نقض حق

1. Right to Life
2. Injured State
3. Invocation
4. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 46.
5. Reparation
6. Wrongfulness
7. Restitution
8. Compensation

بشری چند انسان، باید جداگانه نسبت به جبران غرامت آن‌ها پردازد. بر این اساس کاملاً روشن است که تأثیر مشارکت زیان‌دیده در موارد تعدد زیان‌دیدگان، در این دو وضعیت متفاوت خواهد بود. از آنجاکه در حقوق مسئولیت بین‌المللی، عمل متخلفانه مبنای جبران قرار می‌گیرد، مشارکت دولت‌های زیان‌دیده در تعیین جبران کلی عمل متخلفانه مورد توجه قرار خواهد گرفت، ولی در موارد نقض حقوق بشر، دولت خواننده نسبت به هریک از خواهان‌ها به طور جداگانه «تعهد به جبران»^۱ دارد و مشارکت هریک از خواهان‌ها در ورود صدمه، تنها در تعیین میزان غرامت قابل تعیین درباره همان خواهان تأثیرگذار خواهد بود. این مسئله در موارد نقض حقوق بشر بسیار بااهمیت است، زیرا در موارد تعدد زیان‌دیدگان که هرکدام وضعیت و توانایی‌های متمایزی نسبت به هم دارند، شاید در شرایط مشابه، جلوگیری از ورود خسارت - برخلاف سایرین - برای برخی امکان‌پذیر باشد. این بحث به طور مشخص در موارد نقض مستمر آشکارا قابل مشاهده است. در چنین وضعیت‌هایی ممکن است با شرایطی مواجه شویم که برخی قربانیان نقض، این قابلیت و توانایی را دارند که از بدتر شدن اوضاع و افزایش میزان خسارت جلوگیری کنند. بدیهی است در چنین مواردی، مشارکت این افراد تنها در تعیین میزان غرامت درباره آن‌ها لحاظ خواهد شد و قصورشان، در تعیین میزان غرامت سایر قربانیان بی‌تأثیر خواهد بود.

2. تأثیر مشارکت زیان‌دیده در ورود خسارت بر مسئولیت بین‌المللی دولت در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز مانند حقوق مسئولیت عام، اصل جبران کامل را در قبال نقض حقوق بشر مورد تصریح قرار داده است. بر اساس ماده 41 کنوانسیون، خسارت‌هایی که در حقوق داخلی دولت‌های طرف کنوانسیون به طور کامل جبران نشده‌اند، می‌توانند در دیوان اروپایی حقوق بشر بررسی شوند. دیوان اروپایی حقوق بشر از اواخر دهه 1990 میلادی، مفهوم مشارکت زیان‌دیده در ورود خسارت را در رویه خود مورد شناسایی قرار داد و در چند قضیه، مشارکت زیان‌دیده را در تعیین غرامت، مدنظر قرار داد (Wilcox & Riss, 2011: 802); این در حالی است که برای نخستین بار در منطقه اروپا، دیوان دادگستری اروپا در اواخر دهه 1970 میلادی، در قضیه «آیرکس آرکادی»

1. Duty to Reparation

تأثیر مشارکت زیان‌دیده در ورود یا تشدید خسارت بر مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض حقوق بشر

به این مفهوم اشاره کرد¹ و در قضیه «اس. ای اُلی فیچی مدیترانه‌ای علیه جامعه اقتصادی اروپا» اعلام داشت مسئله کاهش میزان خسارت، بخشی از «حقوق جامعه اروپا»² است و در مواردی که شخص زیان‌دیده با اقدامات غیرقانونی در ایجاد خسارت مشارکت داشته باشد، باید میزان جبران غرامت کاهش یابد.³ در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر که بحث اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد، بحث مشارکت زیان‌دیده در ورود و تشدید خسارت در پنج پرونده مطرح شده است که در ادامه، هر یک از آن‌ها مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

1-2. قضیه موسیال علیه لهستان (1999)

موسیال تبعه‌ای لهستانی بود که در سال 1986 به اتهام قتل همسرش در دادگاه‌های داخلی لهستان مورد تعقیب کیفری قرار گرفت. در حین رسیدگی دادگاه، هیئت دونفره روان‌پزشکان، عدم سلامت روانی او را تأیید و بیان داشتند حضور او در جامعه تهدیدی علیه «نظم عمومی»⁴ خواهد بود. دادستان با توجه به اظهارنظر پزشکی، تصمیم به توقف تعقیب متهم گرفت و دادگاه نیز با درخواست او نسبت به صدور دستور تحت‌نظر قرارگرفتن موسیال در آسایشگاه روانی، موافقت کرد.⁵ در مدت اقامت موسیال در آسایشگاه، او و وکیلش درخواست‌های متعددی درباره ترخیص را مطرح کردند که از سوی روان‌پزشکان و دادگاه داخلی لهستان مورد پذیرش قرار نگرفت. در نهایت او با مراجعه به دیوان اروپایی حقوق بشر مدعی شد علاوه بر فرایند طولانی بازنگری وضعیت روانی او از سوی روان‌پزشکان، «حق او نسبت به اتخاذ یک تصمیم قضایی سریع»⁶ در دادگاه‌های رومانی نقض شده است.⁷

دیوان پس از بررسی دفاع دولت خوانده (رومانی) مبنی بر پیچیده و زمان‌بر بودن بررسی وضعیت پزشکی خواهان بیان داشت این پیچیدگی، مقامات لهستان را از اجرای تعهدات بنیادین ناشی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر معاف نخواهد کرد و مدت زمان یک سال و هشت ماه و هشت‌روزه

1. Ireks-Arkady GmbH v Council and Commission of the European Communities, European Court of Justice (ECJ), 238/78, [1979] European Court Reports (ECR), 2955, 2974.

2. Acquis Communautaire

3. SA Oleifici Mediterranei v European Economic Community (ECC), European Court of Justice (ECJ), 26/81, [1982] European Court Reports (ECR) 3057, 3078 f.

4. Public Order

5. Musial v. Poland, ECtHR, 25 March 1999, No. 24557/94, Para. 8.

6. Right to a Speedy Judicial Decision

7. European Convention on Human Rights 1950, art. 5 (4).

رسیدگی، با حق خواهان نسبت به اتخاذ یک تصمیم قضایی سریع در تضاد است¹ و حتی مواردی همچون امتناع اولیه خواهان از بررسی وضعیت روانی به منظور ترخیص (مشارکت زیان‌دیده در ورود زیان) آن را توجیه نخواهد کرد (Thiede & Buyuksagis, 2011: 817). همچنین دیوان تصریح می‌کند تصمیم دادگاه داخلی لهستان در سال 1995، مبنی بر ادامه تحت‌نظر بودن خواهان در آسایشگاه بر اساس گزارش پزشکی گرفته شده بود که 11 ماه پیش از آن تهیه شده و لزوماً نشان‌دهنده شرایط خواهان در زمان تصمیم‌گیری دادگاه نبوده است و بی‌تردید چنین تأخیری، اقدامی خودسرانه در محروم کردن خواهان از آزادی (ماده 5 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) انگاشته می‌شود.² در نهایت، دیوان بدون اشاره به مشارکت زیان‌دیده در ورود خسارت، این مهم را در میزان تعیین غرامت مورد توجه قرار داد و تنها مبلغ 15000 زلوتی³ (5200 دلار) را به‌عنوان میزان غرامت تعیین کرد که با مبلغ درخواستی خواهان (یک میلیون و 500 هزار دلار) تمایز فاحشی داشت.⁴

2-2. قضیه ریوک علیه اسلونی (2000)

ارنست ریوک آلمانی در سال 1995 با اتومبیل در حال عبور از مرز اتریش - اسلونی بود. وی به واسطه حمل تعداد زیادی قرص که به سفارش آشنایان اسلونیایی‌اش برای آن‌ها می‌برد، از سوی پلیس اسلونی بازداشت و به قاچاق مواد مخدر متهم شد.⁵ ریوک با ادعای بدرفتاری به هنگام دستگیری و نقض ممنوعیت شکنجه⁶ که منجر به مصدومیت چهره و شکستگی فک شده بود و پس از دستگیری از سوی دکتر مورد تأیید قرار گرفت، و نیز ارائه‌ندادن مراقبت‌های پزشکی کافی در دوران بازداشت،⁷ به دیوان مراجعه کرد. در جریان رسیدگی دولت اسلونی استدلال می‌کرد تیم پلیس از این واقعه آگاه بود که فرد

1. Musial v. Poland, ECtHR, 25 March 1999, No. 24557/94, para. 44.

2. Ibid., Para. 50

قاضی پاستور ریروجو (تنها قاضی مخالف با تصمیم دیوان) در نظریه مخالف خود، تأخیر در بررسی وضعیت خواهان را منتسب به روانپزشکان دانشگاه کراکو (Cracow) می‌داند که پس از عدم پذیرش نظر روانپزشکان آسایشگاه از سوی خواهان و به درخواست او و پذیرش دادگاه به این مهم اقدام نمودند (Musial v. Poland, ECtHR, 25 March 1999, No. 24557/94, Dissenting Opinion of Judge Pastor Ridruejo).

3. زلوتی (Zloty)، واحد پول لهستان است.

4. Musial v. Poland, ECtHR, 25 March 1999, No. 24557/94, paras. 55, 58.

5. Rehbock v. Slovenia, ECtHR, 28 December 2000, No. 29462/95, para. 10.

6. European Convention on Human Rights 1950, art. 3.

7. Rehbock v. Slovenia, ECtHR, 28 December 2000, No. 29462/95, paras. 18-20.

مظنون به قاچاق مواد مخدر، مردی بسیار قوی است که قهرمان مسابقات متعدد «بدن‌سازی»¹ در آلمان شده بود و هنگام بازداشت، صرفاً میزانی از زور اعمال شد که با توجه به وضعیت و رفتار خواهان ضروری بود.² دیوان در پاسخ اعلام می‌کند از آنجاکه دولت نتوانسته است استدلال قانع‌کننده‌ای درباره استفاده از این میزان از زور ارائه کند، اقدامات مزبور بیش از حد لزوم، توجیه‌ناپذیر و نقض ماده 3 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ممنوعیت شکنجه) انگاشته خواهد شد؛ باین حال رفتار نسبت به خواهان در بازداشت به آن حد از شدت نمی‌رسد که نقض ماده 3 کنوانسیون انگاشته شود.³

پس از رسیدگی، برای دیوان آشکار شد آقای ریوک با تصور آزادی زودهنگام و انجام معالجه در کشور خود (آلمان)، به انجام عمل جراحی درباره صدمه وارده رضایت نمی‌داد⁴ و علاوه بر قانونی بودن بازداشت وی به دلیل اتهام‌های کیفری،⁵ مقاومت جدی خواهان در هنگام بازداشت، در ورود صدمه به او تأثیرگذار بوده است (Thiede & Buyuksagis, 2011: 814). دیوان اعلام می‌کند ارزیابی میزان غرامت باید با توجه به این واقعیت صورت گیرد که خواهان به‌رغم نظر پزشکان متخصص درباره لزوم انجام عمل جراحی، تمایلی برای انجام آن در کشور اسلوونی نداشت.⁶ دیوان با تأیید تنها 25 هزار مارک⁷ (حدود 13 هزار یورو) معادل یک‌چهارم مبلغ درخواست‌شده خواهان - مشارکت زیان‌دیده در ورود خسارت را به‌عنوان مبنایی برای کاهش میزان غرامت، به رسمیت شناخت. مقایسه مبلغ تعیین‌شده از سوی دیوان در قبال نقض ممنوعیت شکنجه در قضیه ریوک با سایر قضایایی که در آن‌ها چنین نقضی احراز شده است، نشان می‌دهد دیوان در قضیه ریوک مبلغ قابل‌توجهی از میزان غرامت

1. Body-Building

2. Rehbock v. Slovenia, ECtHR, 28 December 2000, No. 29462/95, paras. 13,67.

3. Ibid., paras. 76-81

دیوان در قضیه ریوک، ندادن داروهای مسکن به یک زندانی را که فک او از دو ناحیه دچار شکستگی شده بود، شکنجه تلقی نکرد، درحالی‌که در رأی ایلهان علیه ترکیه (2000) (İlhan v. Turkey, ECtHR, 27 June 2000, No. 22277/93) که شش ماه پیش از قضیه ریوک صادر شده بود، تأخیر 36 ساعته در ارائه مراقبت‌های پزشکی به فرد بازداشت‌شده مصدوم را مصداق رفتار ظالمانه‌ای قلمداد کرد که احتمال تلقی به‌عنوان شکنجه را نیز دارد (Rodriguez, 2007: 97).

4. Rehbock v. Slovenia, ECtHR, 28 December 2000, No. 29462/95, paras. 21-22, 24.

5. دادگاه داخلی کشور اسلوونی در سال 1996، آقای ریوک را به جرم قاچاق مواد مخدر به 17 ماه حبس محکوم کرد (Rehbock v. Slovenia, ECtHR, 28 December 2000, No. 29462/95, paras. 47-49).

6. Rehbock v. Slovenia, ECtHR, 28 December 2000, No. 29462/95, para. 108.

7. مارک (Mark or DEM (Deutsche Mark)) واحد پول آلمان است.

قابل تعیین را کسر کرده است. برای مثال، در قضیه «سلمونی علیه فرانسه» (1999)¹ که از قضا موضوع درباره شکنجه خواهان از سوی پلیس در حین بازجویی بود، دیوان پس از احراز ارتکاب شکنجه، مبلغ 76 هزار یورو غرامت تعیین کرده بود (Shany, 2007: 844).

2-3. قضیه سابین پوپسکیو علیه رومانی (2004)

پوپسکیو تبعه‌ای رومانیایی بود که با ادعای عدم اجرای حکم دادگاه داخلی رومانی که مالکیت او را بر یک قطعه زمین تأیید می‌کرد، به دیوان اروپایی حقوق بشر مراجعه کرد. هنگامی که او برای اجرای این رأی اقدام می‌کرد، دولت رومانی با دلایلی همچون تغییرات در ثبت زمین، قطعه زمین دیگری را با همان ابعاد، کیفیت خاک و با 70 متر فاصله از زمین پیشین پیشنهاد داد که مورد پذیرش وی قرار نگرفت. پس از اینکه پوپسکیو بیش از 150 شکایت علیه مقامات رومانی درباره اجرای حکم دادگاه مطرح ساخت، سرانجام زمین قبلی در سال 2003 به شخص ثالث واگذار شد.² در هنگام رسیدگی در دیوان اروپایی حقوق بشر، دولت رومانی - برخلاف خواهان که مدعی نقض ماده 6 کنوانسیون (حق دادرسی عادلانه)³ و ماده 1 پروتکل نخست منضم به کنوانسیون (حمایت از اموال)⁴ بود - مدعی شد اگر خواهان قطعه زمین پیشنهادی را پذیرفته بود و در آن زراعت می‌کرد، هیچ خسارت مالی را متحمل نمی‌شد و خواهان با اقدام خود موجب ورود خسارت به خود شده است.⁵ دیوان پس از بررسی جوانب قضیه، با اتخاذ رویکردی دوگانه نسبت به موضوع، ضمن عدم پذیرش خسارت وارده به خواهان در نتیجه عدم تحویل قطعه زمین مورد اختلاف، ادعای خواننده درباره منتسب بودن عدم زراعت در زمین پیشنهادشده به خواهان را با تأکید بر عدم ارائه دلایل این اقدام به خواهان، نپذیرفت و بسیار عجیب است که از این بابت، تنها مبلغ 1500 یورو غرامت تعیین کرد.⁶ غرامت اندک تعیین شده گویای این است که دیوان، مشارکت زیان‌دیده را در تعیین میزان غرامت مورد توجه قرار داده است. در واقع، دیوان باید خسارت را برای تحویل ندادن قطعه زمین مورد حکم یا عدم زراعت در آن تعیین می‌کرد، درحالی که خسارت به واسطه عدم زراعت در زمین جایگزین، تعیین شد (Thiede & Buyuksagis, 2011: 815)؛ همچنین دیوان تصریح ساخت تحویل یک قطعه

1. Selmouni v. France, ECtHR, 28 July 1999, No. 25803/94.

2. Sabin Popescu v. Romania, ECtHR, No. 48102/99, 2 March 2004, paras. 1-8.

3. Right to a Fair Trial

4. Protection of Property

5. Sabin Popescu v. Romania, ECtHR, No. 48102/99, 2 March 2004, paras. 3, 20.

6. Ibid., paras. 87, 89, 93, 94.

زمین جایگزین، عدم ارائه دلیل نسبت به مداخله در «حق برخورداری مسالمت‌آمیز بر اموال»¹ خواهان را جبران نخواهد کرد.² این قضیه نشان می‌دهد به زعم دیوان، مشارکت زیان‌دیده در ورود خسارت تنها محدود به نقش او در ایجاد خسارت نیست، بلکه حتی اگر رفتار قربانی صدمه‌ها و خسارت‌هایی را که پیش‌تر ایجاد شده‌اند، افزایش دهد، می‌توان آن را در تعیین میزان غرامت مدنظر قرار داد. (Thiede & Buyuksagis, 2011: 815-816) در واقع، تلاش نکردن قربانی در جهت کاهش میزان خسارت، مشارکت در ورود بخشی از خسارت تلقی می‌شود.³

2-4. قضیه سولومو علیه ترکیه (2008)

در قضیه سولومو، خواهان‌ها هفت تبعه قبرسی و پدر، برادران و خواهران سولوموس سولومو⁴ بودند که در سال 1996 میلادی، پس از شرکت در مراسم خاکسپاری فردی که در تظاهرات اعتراضی نسبت به تصرف بخشی از قبرس به وسیله ترکیه کشته شده بود، به همراه گروهی از افراد به سمت منطقه تصرف‌شده حرکت کرده و به‌رغم حضور نیروهای ملل متحد⁵ و چند پست بازرسی و دیده‌بانی، ترکیه تلاش کرد با بالا رفتن از تیرک، پرچم ترکیه را پایین بیاورد⁶ که با شلیک گلوله نیروهای ترکیه یا نیروهای ترکی - قبرسی⁷ جان خود را از دست داد.⁸

1. Right to the Peaceful Enjoyment of his Possessions

2. Sabin Popescu v. Romania, ECtHR, No. 48102/99, 2 March 2004, paras. 91, 92.

3. در قضایایی که بحث اجرانکردن آرای قضایی دادگاه‌های داخلی در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح می‌شود (نقض ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر)، تدابیر مؤثر داخلی در راستای اجرای چنین آرای نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد. برای مثال پس از صدور رأی دیوان در قضیه هورنس بی علیه یونان (Hornsby v. Greece, ECtHR, 19 March 1997, No. 18357/91) مجلس یونان اصلاحیه‌ای در رابطه با الزام مقامات اجرایی به اجرای تصمیم‌های قضایی صادر و حتی یک سال بعد نیز مصوبه‌ای را تصویب کرد که به دادگاه‌ها اجازه می‌داد در موارد عدم اجرای آرای دادگاه‌ها، مجازات‌های مالی را تعیین کنند. باین‌حال، تدابیر مشابهی پس از قضیه پوپسکیو در رومانی در پیش گرفته نشد (Grewal and Voeten, 2015: 505-506).

4. Solomos Solomou

5. UNFICYP and UNCIVPOL

6. از آنجاکه آقای سولومو در منطقه حائل میان دو کشور ترکیه و قبرس مورد اصابت گلوله قرار گرفت، دیوان با پذیرش نقض کنوانسیون در این مورد، ممنوعیت سلب خودسرانه حیات را علاوه بر سرزمین اصلی دولت و سرزمین‌های تحت صلاحیت آن، به «مناطق ترانزیت» (Transit Zones) میان دو دولت نیز تعمیم داد (Ramji-Nogales, 2016: 181).

7. در جریان رسیدگی در دیوان، دولت ترکیه مدعی بود آقای سولومو به وسیله گلوله‌های شلیک‌شده از سوی نیروهای قبرسی - یونانی مورد هدف قرار گرفت (Solomou and Others v. Turkey, ECtHR, 24 September 2008, No. 36832/97, para. 21 (k)).

8. Solomou and Others v. Turkey, ECtHR, 24 September 2008, No. 36832/97, paras. 1, 10-12, 48.

دولت ترکیه ایرادهایی را دربارهٔ عدم «قابلیت پذیرش»¹ شکایت مطرح می‌کرد؛² از جمله عدم انتساب اقدامات «دولت مستقل ترکیه در قبرس شمالی»³ به دولت ترکیه به سبب کنترل‌نکردن و اعمال‌نکردن صلاحیت بر آن‌ها، و تلقی‌نشدن خواهان‌ها به‌عنوان قربانی. دیوان در پاسخ به این ایرادها اعلام داشت با توجه به رویهٔ خود و در موارد نقض حق حیات (ماده 2 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر)، علاوه بر همسر،⁴ پدر،⁵ مادر،⁶ خواهر⁷ و برادر⁸ شخص متوفی، بستگان⁹ او نیز قربانی محسوب می‌شوند.¹⁰ همچنین دیوان هماهنگ با رویهٔ خود در قضیه «لویزیدو علیه ترکیه»¹¹ تصریح داشت به سبب اعمال «کنترل کلی مؤثر»¹² ترکیه در قبرس شمالی، نمی‌توان مسئولیت این دولت را به اقدامات سربازان و مقامات در این منطقه محدود کرد، بلکه اقدامات مقامات محلی که در سایهٔ نظامیان ترک و با حمایت آن‌ها اقدام می‌کنند نیز «قابل انتساب»¹³ به دولت ترکیه است.¹⁴ همچنین

1. Admissibility

2. *Solomou and Others v. Turkey*, ECtHR, 24 September 2008, No. 36832/97, para. 37.

3. Turkish Republic of Northern Cyprus (TRNC)

4. *Aytekın v. Turkey*, ECtHR, 23 September 1998, No. 102/1997/886/1098.

5. *Hugh Jordan v. the United Kingdom*, ECtHR, 4 May 2001, No. 24746/94.

6. *Çiçek v. Turkey*, ECtHR, 27 February 2001, No. 25704/94.

7. *Şemsi Önen v. Turkey*, ECtHR, 14 May 2002, No. 22876/93.

8. *Ergi v. Turkey*, ECtHR, 28 July 1998, No. 66/1997/850/1057.

9. *Kakoulli v. Turkey*, ECtHR, 4 September 2001, No. 38595/97; *Bazorkina v. Russia*, ECtHR, 15 September 2005, No. 69481/01.

10. *Solomou and Others v. Turkey*, ECtHR, 24 September 2008, No. 36832/97, para. 41.

11. *Loizidou v. Turkey*, ECtHR, 18 December 1996, No. 15318/89.

12. Effective Overall Control

Loizidou v. Turkey, ECtHR,) دیوان اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی خود و به طور خاص در قضیه لویزیدو علیه ترکیه (

Cyprus v. Turkey, ECtHR, 10 May 2001,) و قضیه قبرس علیه ترکیه (18 December 1996, No. 15318/89, para. 56

(No. 25781/94, paras. 76-77)، معیار «کنترل کلی مؤثر» (Effective Overall Control) را دربارهٔ انتساب اعمال کنشگران به

دولت در نظر گرفته است. این معیار متمایز از معیار «کنترل مؤثر» (Effective Control) و «کنترل کلی» (Overall Control)

است که به ترتیب از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه (1986) و دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی

سابق در قضیه تادیج (1999) در پیش گرفته شد (Talmon, 2009: 510)؛ باین‌حال، دیوان دربارهٔ انتساب اقدامات به

سازمان‌های بین‌المللی، معیار کنترل نهایی (Ultimate Control) را برگزید (Agim Behrami and Bekir Behrami v. France,)

(Saramati v. France, Germany and Norway, ECHR, 31 May 2007, nos. 71412/01 & 78166/01

13. Attributable

14. *Solomou and Others v. Turkey*, ECtHR, 24 September 2008, No. 36832/97, para. 47.

Isaak and Others v. Turkey, ECtHR, 28 September 2006,) دیوان اروپایی حقوق بشر در رأی ایساک علیه ترکیه (

(No. 44587/98, paras. 20-21) که دو سال پیش از قضیه سولومو صادر شده بود، در رابطه با انتساب عمل، تفسیر

موسعی را پذیرفته بود و ضرب‌وشتم یک تظاهرات‌کنندهٔ غیرمسلح از سوی غیرنظامیان (Civilians) منطقه قبرس شمالی

را که منجر به مرگ او شد، به دولت ترکیه نسبت داده بود (Frostad, 2011: 146).

تأثیر مشارکت زیان‌دیده در ورود یا تشدید خسارت بر مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض حقوق بشر

دیوان افزود سولومو با تجاوز از خطوط آتش‌بس مقرر میان نظامیان ترکیه و قبرس، به طور ارادی وارد «منطقه حائل نیروهای ملل متحد»¹ شد و حداقل به این دلایل و به میزانی محدود، مسئول وقوع این رویداد غم‌انگیز است.² دیوان ضمن تأیید مشکلات موجود دربارهٔ ارائه ادله از سوی خواهان‌ها،³ این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که به واسطهٔ کشتن سولومو و کوتاهی در انجام تحقیقات در خصوص واقعه مزبور، ماده دو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (حق حیات) از سوی دولت خوانده نقض شده است و با اشاره به تعیین مبلغ غرامت بر اساس یک مبنای منصفانه، مبلغ 35 هزار یورو برای پدر و 15 هزار یورو برای هریک از برادران و خواهران غرامت تعیین کرد.⁴

با توجه به اینکه در قضیه سولومو، زیان‌دیده به‌عنوان خواهان در دادگاه حاضر نبود، این مسئله مطرح می‌شود که آیا مشارکت زیان‌دیده در ورود خسارت هنگامی که بنا به شرایط خاص یک قضیه، اشخاص دیگری نیز به‌عنوان خواهان در دادگاه حاضرند، در تعیین میزان غرامت تأثیرگذار خواهد بود؟ علاوه بر پرونده‌های حقوق بشری و مواردی که یک دولت در چهارچوب «حمایت دیپلماتیک»⁵ از تبعهٔ خود در دادگاهی بین‌المللی حاضر می‌شود، در مواردی که یک «تعهد عام‌الشمول»⁶ بین‌المللی نقض می‌شود، امکان استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف از سوی دولتی غیر از دولت زیان‌دیده نیز قابل‌تصور است.⁷ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (2001) به‌صراحت به این سؤال پاسخ داده است. بر اساس ماده 39 این طرح، علاوه بر مشارکت زیان‌دیده، مشارکت هر شخص یا کنشگری که جبران غرامت دربارهٔ او درخواست می‌شود، باید در تعیین میزان جبران غرامت مورد توجه قرار گیرد.

1. UN Buffer Zone

2. Solomou and Others v. Turkey, ECtHR, 24 September 2008, No. 36832/97, paras. 48,69.

3. دیوان در استدلالی جالب اعلام می‌کند در مواردی که ادله حیاتی، اثبات ادعای خواهان در تصرف دولت خوانده‌ای است که از ارائه آن‌ها خودداری می‌کند، بار اثبات دعوا که همواره بر دوش خواهان است، به دولت خوانده منتقل می‌شود و آن دولت در صورت عدم اثبات بی‌گناهی‌اش، محکوم خواهد شد (Solomou and Others v. Turkey, ECtHR, 24 September 2008, No. 36832/97, para. 67).

4. Solomou and Others v. Turkey, ECtHR, 24 September 2008, No. 36832/97, para. 101.

5. Diplomatic Protection

6. Erga Omnes

7. ILC Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001, art. 48.

5-2. قضیه ونرسکی علیه لهستان (2009)

ونرسکی مجرم سابقه‌داری بود که پیش از بازداشت، تنها یک چشم سالم داشت (چشم چپ) و پس از دستگیری و در جریان درگیری با سایر زندانیان، مشکلات شدید بینایی پیدا کرد که بیشتر مربوط به چشم راست او بود. بر اساس نظر چشم‌پزشکان، باید حلقه چشم راست او تخلیه و بر روی چشم چپ نیز عمل جراحی «ویترکتومی»¹ انجام می‌شد، اما درحالی‌که حتی تاریخ انجام این جراحی‌ها نیز مشخص شده بود، خواهان از حضور در محل بیمارستان خودداری ورزید.² به تعویق‌افتادن مکرر عمل جراحی ونرسکی موجب شد او با ادعای ارائه‌ندادن مراقبت پزشکی کافی (نقض ماده 3 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یعنی ممنوعیت شکنجه) به دیوان مراجعه کند.³ برخلاف دولت لهستان که عمل جراحی مورد نظر را عمل زیبایی می‌دانست،⁴ خواهان - معتقد بود به تعویق‌افتادن عمل جراحی که متناسب به مقامات لهستانی است، سبب وخامت وضعیت جسمانی او شده است.⁵ در مقابل، لهستان تأکید می‌کرد اقدامات سیستماتیک خواهان از جمله رضایت‌ندادن به انجام جراحی و ایجاد منازعه در زندان که موجب تورم چشم راست و در نتیجه ناممکن شدن جراحی شده بود، سبب این تعویق است.

دیوان پس از بررسی استدلال‌های طرفین، تأکید می‌کند آن‌ا در این زمینه که خواهان، مشکلات متعدد چشمی را در طول سالیان زیاد تحمل کرده و تنها مسئله قابل‌بررسی، کفایت خدمات درمانی ارائه‌شده به اوست، با یکدیگر هم‌نظرند. دیوان این مسئله را ضروری می‌داند تا تعیین کند آیا خواهان

1. Vitrectomy

2. Wenerski v. Poland, ECtHR, 20 January 2009, No. 44369/02, paras. 5-8, 11.

تاریخ دیگری که برای انجام عمل جراحی در سال 2002 تعیین شده بود نیز به دلیل خودداری بیمارستان از انجام عمل جراحی به همراه محافظ و اسکورت انجام نشد (Wenerski v. Poland, ECtHR, 20 January 2009, No. 44369/02, para. 9).

3. ونرسکی همچنین با ادعای نقض ماده 8 کنوانسیون (حق بر زندگی خصوصی و خانوادگی) مدعی بود مکاتبات او با دیوان به وسیله دولت خوانده مخدوش و سانسور می‌شود و با تأخیر یک‌ماهه به دست او می‌رسد (Wenerski v. Poland, ECtHR, 20 January 2009, No. 44369/02, para. 38). در تصمیم‌گیری نهایی دیوان، نقض ماده 8 کنوانسیون نیز احراز و از این بابت مبلغ 500 یورو خسارت تعیین شد (Wenerski v. Poland, ECtHR, 20 January 2009, No. 44369/02, para. 85).

4. Wenerski v. Poland, ECtHR, 20 January 2009, No. 44369/02, para. 46.

5. Ibid., para. 43.

از دریافت کمک‌های پزشکی خودداری کرده و در نتیجه موجب ورود صدمه به خود شده است یا خیر؛ و در صورت پاسخ مثبت به این مسئله، میزان مشارکت خواهان باید تعیین شود.¹ دیوان اعلام می‌کند از آنجاکه خواهان تنها یک بار با انجام عمل جراحی مخالفت کرده است، نمی‌تواند وخامت شرایط جسمانی خواهان را صرفاً ناشی از اقدامات او بداند؛ ضمن اینکه بازسازی جزئی حدقه چشم راست، شش سال پس از نخستین اعلام نظر پزشکی مبنی بر فوری بودن انجام عمل جراحی (1998) در سال 2004 انجام گرفته است.² دیوان با اعلام اینکه نمی‌تواند وخامت شرایط جسمانی خواهان را صرفاً ناشی از اقدامات او بداند، به طور ضمنی می‌پذیرد او در ورود زیان نقش داشته است. دیوان در نتیجه‌گیری خود اعلام می‌کند مقامات لهستان تعهدات خود درباره ارائه درمان پزشکی مؤثر را نقض کرده و با نقض ماده 3 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، رفتاری غیرانسانی و خوارکننده با خواهان داشته‌اند؛³ باین‌حال دیوان به هنگام تعیین میزان غرامت با تصریح به این موضوع که این میزان بر اساس مبنایی منصفانه تعیین خواهد شد، مقدار قابل ملاحظه‌ای از غرامت درخواست شده خواهان (30 هزار یورو) را کاهش داد و تنها یک‌دهم این مقدار (3 هزار یورو) را به‌عنوان غرامت تعیین کرد.⁴

نتیجه‌گیری

در موارد نقض حقوق بشر مانند قواعد عام حقوق مسئولیت، مشارکت زیان‌دیده در ورود یا تشدید زیان در تعیین میزان غرامت مدنظر قرار خواهد گرفت؛ باین‌حال در پرونده‌های حقوق بشری که قربانیان متعددی دارد، نقش هریک از قربانیان نقض حقوق بشر، تنها در تعیین غرامت قابل پرداخت به او مؤثر خواهد بود. رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در پذیرش و اعمال این قاعده، بسیار قابل توجه است. دیوان از اواخر 1990 میلادی این قاعده را در رویه خود مورد شناسایی قرار داده و ضمن مطرح شدن این موضوع در پنج پرونده تحت رسیدگی، حتی برخی قواعد مربوط به آن را نیز برشمرده است. برای مثال، در قضیه «موسیال علیه لهستان» (1999)، دیوان ماهیت این قاعده را تبیین ساخت. در پرونده مزبور، دیوان تصریح می‌کند مشارکت زیان‌دیده در ورود زیان (خودداری اولیه

1. Ibid., paras. 56-58.

2. Ibid., paras. 60-62.

3. Ibid., para. 64.

4. Ibid., paras. 82, 84.

خواهان از بررسی وضعیت روانی به منظور ترخیص)، رافع مسئولیت دولت لهستان نخواهد بود. دیوان با این نتیجه‌گیری به طور ضمنی می‌پذیرد مشارکت زیان‌دیده نمی‌تواند عامل رافع وصف متخلفانه عمل قلمداد شود. همچنین در قضیه «ریبوک علیه اسلوونی» (2000)، دیوان با تصریح به اینکه ارزیابی میزان غرامت باید با توجه به مشارکت قربانی در ورود خسارت صورت گیرد، می‌پذیرد که میزان کاهش غرامت، همواره تابعی از میزان مشارکت زیان‌دیده خواهد بود.

رویه دیوان نشان می‌دهد تمایل چندانی به اعلام این موضوع ندارد که به سبب مشارکت زیان‌دیده در ورود خسارت یا تلاش نکردن در جهت کاهش خسارت، میزان غرامت قابل تعیین را کاهش می‌دهد. از میان قضایایی که موضوع مشارکت زیان‌دیده در آن مطرح بوده است، تنها در یک پرونده (قضیه ریبوک علیه اسلوونی (2000)) به صراحت اعلام می‌کند ارزیابی میزان غرامت باید با توجه به مشارکت قربانی در ورود صدمه صورت گیرد. در سایر موارد، دیوان ضمن برشمردن موارد تقصیر و مشارکت خواهان در ورود و تشدید خسارت در متن رأی، در قسمت نتیجه‌گیری و تعیین غرامت، تنها با اشاره به تعیین میزان غرامت بر اساس مبنای منصفانه، میزان غرامت قابل تعیین را به مقدار قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است. همچنین همان‌طور که رویه دیوان نشان می‌دهد هیچ قاعده مشخصی در محاسبه میزان کاهش غرامت قابل تعیین در موارد مشارکت زیان‌دیده وجود ندارد و در چنین وضعیت‌هایی، این کاهش بر اساس مبنای منصفانه یا معیار تناسب صورت می‌گیرد؛¹ بنابراین این ضرورت احساس می‌شود که قواعدی در راستای هماهنگ‌سازی کاهش میزان خسارت در چنین پرونده‌هایی تبیین شود.

1. برخی معتقدند در برخی قضایا، حق بشری نقض شده می‌تواند تعیین کند مشارکت زیان‌دیده تا چه اندازه می‌تواند تأثیرگذار باشد (Thorson, 2016: 277).

فهرست منابع

- Frostad, Magne (2011), "The Responsibility of Sending States for Human Rights Violations during Peace Support Operations and the Issue of Detention," *Military Law and Law of War Review*, Vol. 50, Issue. 1-2, pp. 127-188.
- Grewal, Sharanbir; Voeten, Erik (2015), "Are New Democracies Better Human Rights Compliers?," *International Organization*, Vol. 69, Issue. 2, pp. 497-518.
- Ramji-Nogales, Jaya (2016), "Freedom of Movement and Undocumented Migrants," *Texas International Law Journal*, Vol. 51, Issue. 2, pp. 173-189.
- Rodriguez, Sara A. (2007), "The Impotence of Being Earnest: Status of the United Nations Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners in Europe and the United States," *Criminal and Civil Confinement*, Vol. 33, pp. 61-122.
- Shany, Yuval (2007), "The Prohibition against Torture and Cruel, Inhuman and Degrading Treatment and Punishment: Can the Absolute be Relativized under Existing International Law?," *Catholic University Law Review*, Vol. 56, pp. 837-849.
- Talmon, Stefan (2009), "The Various Control Tests in the Law of State Responsibility and the Responsibility of Outside Powers for Acts of Secessionist," *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 58, pp. 493-515.
- Thiede, Thomas & Buyuksagis, Erdwm (2011), "Reduction of Damages," *Tort Law in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights*, edited by Attila Fenyves, Ernst Karner, Helmut Koziol and Elisabeth Steiner, Walter de Gruyter, pp. 803-824.
- Thorson, Bjarte (2016), "Damages for the Infringements of Human Rights under Norwegian Law," *Damages for Violations of Human Rights: A Comparative Study of Domestic Legal Systems*, edited by Ewa Bagińska, Springer International Publishing, pp. 259-288.
- Urdaneta, Merizalde; Felipe, Juan (2015), "Proportionality, Contributory Negligence and other Equity Considerations in Investment Arbitration," *Investment Treaty Arbitration and International Law* (Vol. 8), edited by Ian A. Laird, Sabahi, Frédéric G. Sourgens and Todd J. Weiler, JurisNet LLC, pp. 301-326.
- Von Bar, Christina (2000), *The Common European Law of Torts*, Vol. 2, Clarendon Press.
- Walde, Thomas W. (2009), "Improving the Mechanisms for Treaty Negotiation and Investment Disputes: Competition and Choice as the Path to Quality and Legitimacy," *Yearbook on International Investment Law & Policy 2008-2009*, edited by Karl P. Sauvant, Oxford University Press, pp. 505-584.
- Wilcox, Vanessa; Riss, Olaf (2011), "Contributory Negligence," *Tort Law in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights*, edited by Attila Fenyves, Ernst Karner, Helmut Koziol and Elisabeth Steiner, Walter de Gruyter, pp. 771-802.